



# دریای فارس

در کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر

نویسنده: روزبه پارساپور

## گذری بر پیشینه مسعودی

مورخ کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مورخ و جغرافیدان بزرگ اسلامی در اواخر قرن سوم هجری، احتمالاً حدود سال ۲۸۰ قمری در بغداد متولد شد. شور و شوق دانش اندوزی او را از اوان جوانی به سیر و سفر در سرزمینهای اسلامی کشاند. عراق و ایران و مصر و سوریه و فلسطین و ارمنستان و هند و سیلان و عمان و سواحل شرقی آفریقا را تا زنگبار و احتمالاً ماداگاسکار زیر پا گذاشت. حتی از چین و مالزی هم دیدار کرد. ظاهراً جز اندلس (اسپانیا) و غرب آفریقا تمام سرزمینهای اسلامی را سیاحت کرده است. سرانجام در سال ۳۳۶ قمری در مصر مقیم شد و در جمادی الثانی ۳۴۵ در شهر فسطاط مصر درگذشت. مسعودی خود در کتابهایش بارها به این سیر و گشت ها اشاره کرده است. در کتاب مشهور مروج الذهب می نویسد:

"اگر در این باب تقصیری رفته یا غفلی شده پوزش میخوام که خاطر ما به سفر و بادیه پیمایی به دریا و خشکی مشغول بود تا به دایع ملل را به مشاهده و اختصاصات اقالیم را به معاینه توانیم دانست"

ابن جمهره در کتابل مجهره الانساب العرب، وی را شیعه مذهب دانسته که مهمترین دلیل شیعه بودن وی را دو کتاب مروج الذهب و التنبیه و الاشراف دانسته اند که عقاید وی را کاملاً آشکار می کند.

ایشان در طی مسافرتهایش با بسیاری از دانشمندان و علمای معاصر خود، حشر و نشرهایی داشته و از محضر آنها بهره ها برده تا جائیکه یکی از مورخان و جغرافیدانهای بزرگ اسلامی گشته که محمد بن جریر طبری مورخ و محدث مشهور، ابوبکر صویل مورخ و ادیب، ابن درید نحوی و شاعر و ابوبکر انباری محدث، سنان بن ثابت بن قرة فیلسوف و دانشمند نمونه هایی از آنها می باشند علاوه بر اینها، با بزرگانی چون موسی نوبختی متکلم شیعی،

ابوعلی جبائی و ابوالقاسم بلخی از متکلمان معتزلی، ابوالحسن اشعری متکلم و بنیانگذار مکتب کلامی اشعری صحبت‌هایی داشته و یکبار نیز با محمد بن زکریای رازی پزشک و فیلسوف ایرانی بحث‌هایی به عمل آورده است. نتیجه جهانگردی و دیدار وی با اساتید بزرگ؛ آثار متعددی بوده که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

1- اخبار الزمان (این کتاب سی به عنوان دایره المعارفی در تاریخ جهان بوده)

2- کتاب الاوسط

3- مروج الذهب و معادن الجواهر

4- متون المعارف و ماجری فی الدهور السوالف

5- التنبه و الاشراف

6- المقالات فی الاصول الدیانات

7- القضايا و التجارب

8- سرالحيات

9- الزلف

10- والانتصار و دیگر آثار که حدودا

11- و دیگر آثار که حدودا ۲۴ عنوان می‌باشد.

لازم به توضیح که از میان آثار خود فقط مروج الذهب و التنبیه الاشراف در دسترس بوده و بقیه در طول زمان از بین رفته‌اند.

## ذکر دریای فارس

... بصره نیز نه‌های بزرگ دارد چون نهر شیرین و نهر دیر و نهر ابن عمر و هم میان بصره و اهواز نه‌هاست که از ذکر آن صرف نظر میکنیم زیرا تفصیل آنرا با خبر امتداد دریای فارس تا بصره و ابله و هم خبر گرداب معروف به جراره را که زبانه دریاست و در نزدیکی ابله به خشکی پیش رفته و به سبب آن بیشتر نه‌های بصره شور است و بعلت همین جراره بنزدیکی ابله و آبادان در دهانه دریا چون کرسی است در دل دریا آتش روشن کنندتا کشتی ها که از عمان و سیراف عبور می آید به جراره نیفتند که خلاص آن میسر نباشد...

جلد اول برگ ۱۰۳

...از همین دریا خلیج دیگری منشعب میشود که دریای فارس است و به دیار ابله و خشبات و آبادان و بصره می رسد و عرض اول و آخر آن تا یکصد و پنجاه میل میرسد. این خلیج مثلث شکل است و یک زاویه آن به دیار ابله می رسد و بر مشرق آن ساحل فارس و دیار دورق ایران و ماهربان و شهر سینیز است که جامه های سینیزی بدان منسوب است و در آنجا می بافند و شهر جنابه که جامه های جنابی منسوب بدانجاست و شهر نجیرم سیراف، سپس دیار ابن عماره، سپس کناره کرمان که دیار هرمز است و هرمز روبروی شهر سنجان عمان است. در مجاورت کناره کرمان بر ساحل این دریا دیار مکران است که سرزمین خوارج شراه است و در همه این نواحی نخل می روید.

...در این ناحیه از دریا کوههای سیاه بالارفته که گیاه و حیوان بر آن نیست و آب دریا که عمق بسیار دارد از هر سو آنرا ببر گرفته و موجها بهم میخورد که هرکس آنرا ببیند وحشت میکند. این ناحیه به دیار عمان و سیراف پیوسته است و کشتیها به ناچار از آن میگذرند. این دریا همان خلیج فارس است و بنام دریای فارس معروفست که سواحل آنرا از بحرین و فارس و بصره و کرمان و عمان تا راس الجمجمه بر شمردیم.

جلد اول برگ ۱۰۷ و ۱۰۸

جزر و مد دریای فارس غالباً هنگام سحرگاهان است. بسیاری از ناخدایان این دریا و کشتیبانان سیرافی و عمانی که این دریا را می پیمایند و بمعموره های جزایر و سواحل آن رفت و آمد دارند گویند که در تابستان در شمال و شرق تا مدت شش ماه مد میشود و آب نقاط شرقی زمین و نواحی چین بسواحل چین و ماورای آن طغیان میکند و بار دیگر در ماههای زمستان و جنوب و غرب تا مدت شش ماه مد میشود...

جلد اول برگ ۱۱۳

آب دریای چین و هند و فارس و یمن چنانکه گفته ایم پیوسته است و گسسته نمی باشد اما طوفان و آرامش آن اختلاف دارد که محل و موسم و دیگر خصوصیات وزش بادهای آن مختلف است. هنگامی که دریای فارس امواج بسیار دارد و سواری بر آن دشوار است دریای هند آرام است و سواری بر آن بی دردسر است و موج کم دارد و چون دریای هند طوفانی باشد و موج و ظلمت بهم آمیزد و سواری بر آن دشوار باشد دریای فارس آرام و امواج آن کم و سواریش آسان است. آغاز آشفتهگی دریای فارس از آن هنگام است که خورشید به برج سنبله درآید و بااعتدال پاییزی نزدیک شود همچنان امواج دریا فزونی گیرد تا خورشید به برج حوت رسد. سخنر از همه آخر پاییز است هنگامیکه خورشید به برج قوس باشد آنگاه آرام گیرد تا خورشید به برج سنبله باز آید و آخرین آرامش در آخر بهار است وقتی خورشید در جوز است و دریای هند آشفته باشد...

جلد اول برگ ۱۴۵

بین مایه:

مروج الذهب و معادن و الجوهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده